

محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور در ستاد برگزاری چهلمین جشنواره فیلم فجر، از نزدیک در جریان روند فعالیت‌های برگزاری این جشنواره قرار گرفت.

اسماعیلی در این دیدار با قدردانی از عوامل برگزارکننده این جشنواره گفت: «یکی از نقاط قوت این دوره جشنواره حضور ترکیب دانشگاهی و سینمایی در میان مدیران و عوامل اجرایی این جشنواره است.»

وی افزود: «دست‌اندرکاران ستاد برگزاری چهلمین جشنواره فیلم فجر

وزیر فرهنگ وارشاد اسلامی در بازدید از ستاد جشنواره فیلم فجر:

## فضای تبلور اندیشه و آرمان‌های انقلاب اسلامی در سینمای ایران فراهم شود

که بیشترین همدلی و پذیرش در این حوزه حاصل شود.»

اسماعیلی با ابراز خشنودی از روند برگزاری و برنامه‌های چهلمین جشنواره فیلم فجر، عنوان کرد: «کیفیت آثار جشنواره حائز اهمیت است و باید برای

اسماعیلی با تأکید بر اینکه جشنواره فیلم فجر قله فعالیت‌های سینمایی کشور به شمار می‌رود، افزود: «ما باید در موضوعاتی همچون برگزاری این جشنواره و شوراها ی پروانه ساخت و پروانه نمایش سازمان امور سینمایی، آیین‌نامه‌های روشن داشته باشیم و در این میان برآیند سلیقه‌ها به حدی برسد

تاکنون توانسته‌اند نوعی وفاق و همدلی را میان اهالی سینما ایجاد و با تهیه آیین‌نامه‌ها، چشم‌انداز روشنی را برای

تاکون توانسته‌اند نوعی وفاق و همدلی را میان اهالی سینما ایجاد و با تهیه آیین‌نامه‌ها، چشم‌انداز روشنی را برای

# سال سیاه برفی

مرفیه نودهی نویسنده

کلاه بافتنی سیاهش را می‌اندازد روی می‌کشاند روی پشت‌بام، دست‌هاش را زیر بغل می‌برد. صدای مادرش دَمر می‌کند روی سرش، دست‌هاش را می‌گیرد دو طرف نردبان چوبی، پای چپش را روی پله اول می‌گذارد. نردبان تکانی می‌خورد. دست‌هاش را محکم‌تر دور نردبان فشار می‌دهد، پای راستش را روی پله بعدی می‌گذارد، صدای ناله نردبان بلند می‌شود. زیر لب نق می‌زند: «چنه تو هم، انقدر لق نزن دیگه». سرما از کاسه مسی خودش را می‌رساند به سرش، باغ‌زمی زنند: «از دست این آقا ناظم، خب به ما چه سر دختر! شیش افتاده، تازه یکم موهام در اومده بودا، باز گفت کچل کنین، یخ زد کلمه.» سرش را می‌گیرد رو به آسمان، خورشید خودش را جمع و جور می‌کند برود نور کم‌رورش می‌خورد روی برف‌های لب‌بام، صاف می‌نشیند توی چشم‌هاش، چشم‌هاش بسته بود، کیف مدرسه‌اش را ر پرت کرد روی زمین، کتاب فارسی‌اش بیرون پرید. آفتاب دراز به دراز افتاده بود پای دیوار خانه حبیب همکلاسی‌اش. بشکه سورمه‌ای رنگ قل می‌خورد و می‌رفت، زور زد تخته چوبی بزرگی را که آفتاب روی آن سیم‌انکاری می‌کرد از روی پاهی‌ا او بردارد، دست‌هاش

چند نفری آفتاب را روی دست بلند کردندو بردند. دنبال شان دودید، دستی به شان‌اش خورد، برگشت، حبیب زیر زانو می‌رود توی برف، جواب‌های گشاداش که کشیده روی شلوار کاموایی‌اش نم گرفته کاسه‌مسی را فرو می‌کند توی برف‌های پانخورده وسط پشت‌بام. سرک می‌کشد به کوچه. کوچه پر از آدم شده بود، پدر حبیب به سر و صورتش می‌کوبید: «اوس رضا چی شد یهو؟ گفتم این بشکه لق می‌زنه‌ها. گفنی آخرشه، نموم میشه.» کلاه بافتنی آفتاب پُر خون شده بود،

قلمبه‌اش نگه داشته، هن‌هن کنان به خانه‌شان می‌رود. نگاهش را پایین‌تر می‌کشد. حبیب جعبه سیب و انار را گرفته بالای سینه‌اش، کنار پدرش که دوتا هندوانه بزرگ توی دست‌هاش دارد، با جکمه‌های سیاه پلاستیکی‌اش برف‌های سیاه را له می‌کند و جلو می‌رود. دستش را بالا می‌آورد، با سر آستین زلگت طوسی‌اش آب دماغ و چشمش را می‌گیرد. صدای مادرش سکوت روستا را می‌شکند: «داوود کجا مودی، رفتی به کاسه برف بیاریا، هوا تاریک شد، بیا دیگه.» کاسه را لب

بام می‌گذارد، به پشت می‌چرخد، پای راستش را بلند می‌کند، دمپایی جلوسته پلاستیکی از پایش سر می‌خورد و ولو می‌می شود کف حیاط. صدای مادر کش می‌آید می‌رسد بالای نردبان: «مراقب باش.» زیر چشمی پایین را نگاه می‌کند، مادر محکم نردبان را گرفته، طوبی طرف شیره به دست جلو در ایستاده. کاسه را از لب بام بر می‌دارد، لنگ دیگر دمپایی را خودش پرت می‌کند پایین. نیم‌متری به کف سیمانی حیاط مانده، صدای کوبیده شدن در، گوشش را پر می‌کند

و بعد صدای حبیب ابروهایش را توی هم می‌کند: «خاله جیران، خاله جیران، داوود خونه‌س؟» پایش پله را پیدا نمی‌کند، پرت می‌شود روی زمین. درد مثل ماری دور دستش می‌پیچد، کاسه از دستش ول می‌شود، چشمانش را می‌بندد. صدای ی پیغمبر مادر، اشک گرم را سُرمی دهد روی صورت یخ‌زده‌اش. چشمانش را باز می‌کند حبیب کاسه مسی پر برف را جلویش می‌گیرد. هندوانه و انار و سیب‌ها کنار پایشان روی زمین قل می‌خورند.



## به یاد بزرگان هنرهای تجسمی

**گروه فرهنگی:** این روزها یادبود هنرمندان تجسمی در گالری‌های تهران برپا می‌شود. قرار است به‌خاطر شانزدهمین سالگرد مرتضی ممیز، پدر هنر گرافیک معاصر ایران، ۲۶ آذرماه نمایشگاهی در خانه هنرمندان ایران افتتاح شود. این نمایشگاه گزیده آثاری است از بهزاد حاتم که در گالری ممیز به نمایش در می‌آید. این آثار از سال ۱۳۵۰ تا به امروز جمع‌آوری شده است. استاد ممیز در طی عمر برپار خود در زمینه طراحی پوستر، نشان، تصویرسازی، صفحه‌آرایی و طراحی جلد کتاب و مجلات آثار ماندگاری به جا گذاشته است. قرار است مراسم نکوداشتی ۲۶ آذرماه ساعت ۱۷ در شانزدهمین سالگرد این هنرمند در سالن شهناز خانه هنرمندان برپا شود. شاید خیلی‌ها ندانند اما ممیز شخصی بود که با مهارت و پیگیری‌اش توانست رشته گرافیک را در دانشگاه ابرارنده‌ای کند. اواسال ۱۳۴۷ در دانشکده هنرهای زیبا مشغول به کار شد و پیشنهاد ایجاد رشته گرافیک را در سال ۱۳۴۸ به دانشکده هنرهای زیبا ارائه داد

و در سال ۱۳۴۹ رشته گرافیک در این دانشکده بنیان‌گذاری شد. این کاراو طراحی گرافیک در ایران را متحول کرد و هنرمندان پس از او اگر مسیر درستی را طی کردند، همگی مدیون ممیز هستند.

■ **نمایشگاه کامبیز درمبخش در چهلمین‌روزدرگذشتش**

نمایشگاه کاریکاتورها ی دیده نشده کامبیز درمبخش روز جمعه ۲۶ آذرماه از ساعت ۱۷ در گالری کاما با حضور خانواده مرحوم درمبخش، هنرمندان و دوستدارانش برپا خواهد شد. در این نمایشگاه آثاری از دهه چهل و پنجاه شمسی استاد درمبخش دیده خواهد شد که به همت گالری کاما و مشارکت مؤسسه هنرمندان پیشکسوت برپا می‌شود. درمبخش از جمله هنرمندان پرکاری بود که چندین نمایشگاه بزرگ مستقل از آثارش در کشورهای بسیاری برپا شده است. او برنده چندین جایزه بزرگ معتبر جهانی است. بسیاری از کاریکاتورها ی او در روزنامه‌ها و مجلات معروف داخلی و بین‌المللی منتشر شده و این هنرمند با نشریات معتبری همچون نیویورک تایمز، اشپیکل و نبل اشانتال همکاری کرده است. او از جمله هنرمندانی است که به محیط اطرافش توجه بسیاری داشته و آثار بسیاری منتج از این توجه خلق کرده است. او کتاب‌های بسیاری در زمینه تصویرسازی و کاریکاتور در ایران و جهان منتشر کرده‌از آن جمله می‌توان به «مینیاتورها ی سیاه»، «خاطرات فرشته‌ها»، «بدون شرح»، «کتاب کامبیز» و «اگر داویتیج مرا دیده بود» اشاره کرد.

## اکرانی متنوع و باب هر سلیقه

**فرهنگی:** پیشنهاد ما برای روزهای پایانی هفته رفتن به سالن سینما و تماشای فیلم روی پرده عریض است. در آستانه زمستان چیدمان اکران متنوع‌تر شده و اگر نگاهی به لیست فیلم‌های در حال اکران بیندازید، قطعاً فیلمی باب سلیقه‌تان پیدا خواهید کرد. از کمدی‌های پرفروش تا فیلم‌هایی که در جشنواره‌های داخلی و خارجی حضور موفق داشته‌اند. در همین روزها دو اثر از سینمای ایران (قهرمان) و جنایت بی‌وقت که حضوری موفق در عرصه بین‌المللی داشتند روی پرده سینماست، «بی‌همه چیز» فیلم تحسین شده منتقدان و مخاطبان جشنواره سال گذشته از دیروز به چرخه اکران اضافه شده است و نمایش عمومی چهار فیلم منتخب جشنواره سی‌هشتم (آتابای)، تومن، پوست و درخت گردو) هم ادامه دارد. در حالی از روز گذشته سه فیلم تازه نقس به چرخه اکران اضافه شده که نمایش عمومی فیلم «جنایت بی‌وقت» هم از هفته گذشته (چهارشنبه ۱۷ آذرماه) آغاز شده است. این فیلم نیز مانند آثار پیشین شهرام مگری تجربه‌گراست

ترجمه‌ای از توفیق سبحانی درباره شاعر و عارف فارسی زبان نامی

## نگاهی کوتاه به کتاب «مولانا جلال الدین»



■ **کتاب:مولانا جلال‌الدین بلخی**  
 ■ **نوشته:عبدالباقی گولپینارلی**  
 ■ **ترجمه: توفیق سبحانی**  
 ■ **انتشارات کتاب بارسه**

و ساختاری فرمالیستی دارد. فیلم در سینما و با نشان دادن تعدادی از تماشاجیان فیلم در حال صحبت کردن، قیل از آغاز نمایش فیلم، شروع می‌شود. فیلم روی پرده آغاز می‌شود و داستان آن با داستان‌های تودرتو و خرده داستان‌های تماشاجیان گره می‌خورد. بابک کریمی، محمد ساربان، عادل پراقی، فریبا کامران، بهزاد دورانی و سیاوش چراغی‌پور از جمله بازیگران «جنایت بی‌وقت» هستند.

«بی‌همه‌چیز» محسن قربایی از جمله فیلم‌هایی است که از روز گذشته اکرانش در سینماها آغاز شده است. این فیلم با حضور ستاره‌هایی چون هدیه تهرانی و پرویز پرستویی جزوفیلم‌های کنجکاو ی رنگبازجشنواره فیلم فجر قرار گرفت و در ادامه توانست رضایت مخاطبان و منتقدان را جلب کند. قربایی در همکاری با محمد داوودی فیلمنامه «بی همه چیز» را با اقتباس از ملاقات بانوی سالخورده» فریدریش درونمات نوشته است. باران کورشی، هادی حجازی فر، مهتاب نصیرپور، پردام شریفی، بابک کریمی،

خلاق برای رقابت همه اهالی سینما نسبت به روند اجرای برنامه‌های مدیران سینمایی و دبیر جشنواره ابراز امیدواری کرد.

محمد خزاعی رئیس سازمان امور سینمایی با ابراز خرسندی از حضور مسعود نقاش‌زاده به عنوان دبیر جشنواره چهلم، اظهار کرد: «ایشان فردی فرهیخته، فیلمساز و متخصص سینما هستند. من در همین مدت کوتاه از ایشان صبوری در کار، تصمیم‌گیری قاطع و برنامه‌ریزی منسجم را شاهد بودم و امیدوارم با تدبیر ایشان جشنواره بسیار

## نگاه‌های مبهم یک آهنگساز

ندا سبجانی خبرنگار

چند سالی است با ظهور موسیقی فیوژن یا تلفیقی که یک سبک از جدید موسیقی معرفی شده است و در تلفیق با موسیقی ایرانی، آهنگسازان و نوازنده‌ها دست به‌کارهایی نوزده‌اند، از تلفیق سازهای ایرانی و غیر ایرانی تا ترکیب موسیقی‌های غربی و شرقی که انصافاً برخی آثار قابل تحسین و شنیدنی است، مانند آلبوم‌هایی که میلاد درخشانی در این زمینه منتشر کرده است، همچون «پرگار»، «آشارا نظر» و...

این موزیسین به‌تازگی آلبومی منتشرکرده با عنوان «مبهم دور» که به‌علاقه‌مندان این ژانر از موسیقی پیشنهاد می‌شود. این اثر شامل ۸ آهنگ بی‌کلام «سوگ رود»، «دست نشان»، «پاییز را به‌خاطر بسپار»، «باغ سنگی»، «دست تار»، «مبهم دور»، «سایه رخ» و «شراب شیراز» است. درخشانی ضبط آلبوم را از اواسط شیوع کرونا آغازکرده و آن را تجربه جیبیی دانسته «بر از خلوت کردن‌ها و سکوت و بهت و نگرانی و نگاه به آینده مبهمی که هنوز در ابهام خودش باقی است.» و اشاره داشته: «حس و حال قطعات این آلبوم یادآور خاطرات متفاوت و خاص است که در این مدت تأثیر مهمی برافکار و بینش من، چه در موسیقی و چه در نگرش به زندگی شخصی داشته است.» میلاد درخشانی آهنگساز و نوازنده خوش آتیه موسیقی ایران است و درکنار این حرفه به خوانندگی هم می‌پردازد. این موزیسین که سال ۶۳ در شهر اصفهان متولد شده علاوه برنوازندگی تار که ساز تخصصی‌اش است در نواختن سه‌تار، عود و گیتار هم تبحر دارد . او دراین سال‌ها آلبوم‌های بسیاری همچون «هیچم خبر از هیچ»، «افشارستان»، «آشارا نظر»، «سرخوش»، «حرف بزن» و... را منتشر کرده است و به‌گفته خودش سیر آموزشی‌اش را بیشتر در فضای موسیقی سنتی گذرانده ،اما خود را مقید و محدود به یک جریان خاص از موسیقی نمی‌داند در آلبوم «مبهم دور» درخشانی نوازندگی تار را برعهده داشته و مهار طهماسبی در دو قطعه «سوگ رود» و «پاییز را به‌خاطر بسپار» با نوازندگی ویولنسل او را همراهی کرده است، اگرچه دراین آلبوم نوای موسیقی ایرانی هم به‌گوش می‌رسد و این نگاه را در طرح جلد آلبوم که تصویری از اتاق موسیقی عمارت عالی‌قاپو اصفهان است می‌توان بخوبی حس کرد.

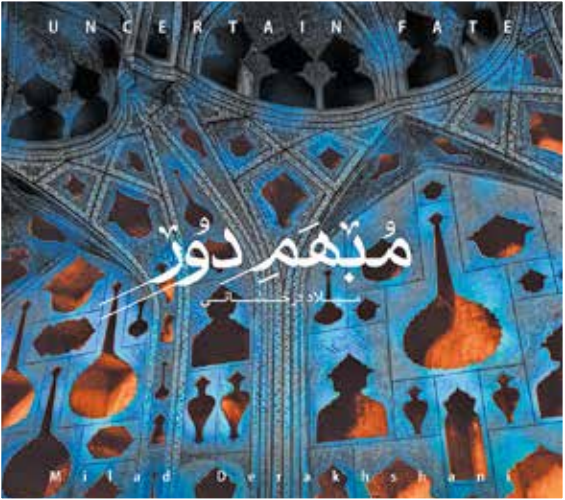
■ **مبهم دور**

■ **آهنگساز:میلاد درخشانی**

■ **نوازندگان: میلاد درخشانی و مهار طهماسبی**

■ **سال: آذر ۱۴۰۰**

■ **ناشر: میلاد درخشانی**



## حکایت آن کشیش سرگردان

«پدریوخا» کشیش روشن ضمیری است که صومعه او در نزدیکی شهر مدینه واقع شده است. این کشیش مسیحی با مطالعه منابع اصیل مرتبط با حضرت عیسی مسیح (ع) از ظهور پیامبر خاتم آگاه شده اما برای حفظ صومعه هم دغدغه‌های فراوانی دارد. کشیش دچار تحیر و سرگردانی شده که بالاخره به مدینه برود یا نرود، اما بالاخره در شرایطی پیش‌بینی نشده، اسعد فرزندخوانده گوئیشت او راهی مدینه می‌شود تا آخرین خبرها را برای او بیاورد. اسعد ناخواسته در مدینه شاهد وقایع پرفراز و نشیب پس از رحلت پیامبر(ص) است و با کوله باری از خبرهای عجیب نزد یوخا باز می‌گردد. یوخا هم از شنیدن آن خبرها به‌گونه‌ای تحت تأثیر قرار می‌گیرد که درنگ را جایز نمی‌شمارد و شبانه با نزدیکان خود در سمت مدینه حرکت می‌کند اما... آنچه در بالا خوانید خلاصه نمایش «تا آشکستان» به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی حمید حرا است. این نمایش به مناسبت ایام سوگواری شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) ازاول دی‌ماه در تالار اصلی تئاتر شهر به روی صحنه خواهد رفت. تئاتر به‌دلیل زنده بودن و قدمت آن در ایران توانسته با مخاطبان ارتباط گسترده‌ای برقرارکند. حال اگرهنر تئاتر با آموزه‌های الهی و دینی پیوند بخورد تئاتر دینی ساخته می‌شود. تجربه نشان داده است که اگر عوامل سازنده فراتر از نگاه مناسبتی تمام عوامل حرفه‌ای اعم از بازیگری، کارگردانی و نمایشنامه در تئاتر لحاظ کنند، نمایش با استقبال گسترده مخاطب مواجه می‌شود. گروه نمایشی «تا آشکستان» به‌تأکید بر نیاز مخاطب به داستانی مرتبط با این ایام نمایشی را به روی صحنه می‌برند. در این نمایش گروه هنری سایه به همراه محمدجواد حبیبی، محمدامین نیک پنجه، علیرضا عمرانی، سیدعلی زاهدی، مسعود اصغری، پیمان خراسانی، محمد مهدی هاشمی دانا، محمدرضا جمال، امیر صادقی، مهدی بیابانی داستان این نمایش را روایت می‌کنند.



■ **تا آشکستان**  
 ■ **نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده: حمید حرا**  
 ■ **سالن اصلی تئاتر شهر**